

فراتر از هنر؛ فراتر از آواز

شجریان کوشیدتر چمان به غایت زیبای حقایق عرفانی، برهانی، قرآنی و حکمی مایرانیان باشد

دکتر حسن بخاری قهی

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

مولانا در مثنوی معنوی و در شرح پیر چنگی از حقیقت موسیقی سخن می گوید، گرچه در ابواب دیگر این کتاب معنوی نیز از حقیقت آن گفته، همچون ذیل قصه ابراهیم ادهم که موسیقی را به نقل از حکیمان، بازتاب چرخش افلاک و به نقل از مؤمنان، محاکات نغمه‌های بهشتیان خوانده است. اما در داستان پیرچنگی، پیر را با اسرافیل هم‌فن می‌خواند و نغمه و آواز او را با نغمه‌های درون انبیاء همساز می‌داند. در شرح بلند این تمثیل، فرشته و آدم را اسیر و محبوس زندان حس و تن می‌نامد و آدمی را به شنود نغمه‌های جان و جهان اولیا می‌خواند که:

نغمه‌های اندرون اولیاء

اولا گوید که‌ای اجزای لا

هین ز لای نفی سرها بر زنید

این خیال و وهم یکسو افکنید

ای همه بپوسیده در کون و فساد

جان باقیانم نروبیید و نژاد

و سپس صلا می‌دهد: اگر شمه‌ای از این نفعات آسمانی به گوش خاک‌نشینان کره ارض رسد تمامی جان‌ها سر از دخمه تن برآورند و حقیقت هستی را طلب کنند. از دیدگاه مرید شوریده شمس تبریز، اولیا اسرافیل زمان‌اند که به نغمه و آواز بر جان فسرده آدمیان بانگ و چنگِ حیات می‌نوازند و آنان را به سرشت حقیقی خود می‌خوانند:

گوید این آواز ز آواها جداست

زنده کردن کار آواز خداست

بازگشتن از عدم، یعنی جهل و خودخواهی و خودپرستی و رو به سوی حق آوردن، تنها با شنود مطلق آواز حضرت دوست میسر و میسر است.

ای فنانان نیست کرده زیر پوست

باز گردید از عدم ز آواز دوست

مطلق آن آواز خود از شه بود

گرچه از حلقوم عبدالله بود

سپس مولانا رو به سوی روایت شگرف قرب نوافل می‌آورد که هر که علاوه بر فرایض، نوافل را بجا آورد خدا دیدگانش می‌شود و نیز خشم و رضایش.

گفته او را من زیان و چشم تو

من حواس و من رضا و خشم تو

رو که بی‌یسمع و بی‌بیسر توی

سر توی چه جای صاحب‌سر توی



استاد

شجریان که تربیت‌یافته الحان

عظیم و لطیف قرآن بود، در تمامی

حیات موسیقایی خویش کوشید ترجمان

به غایت زیبای حقایق عرفانی، برهانی،

قرآنی و حکمی ما ایرانیان باشد. او با

ندای آسمانی خود قاری آیات و نوای

زیبای حقایق عرفانی ما شد. قرن‌ها باید

بگذرد تا همچون اوپی در حوزه آواز و

موسیقی، از مادر دهر زاده شود

نغمه و آواز در پیوند با سماع و موسیقی، کلام را حلاوتی می‌بخشد که تا اعماق و ژرفای جان نفوذ می‌کند. حدیث نغمه و آواز و آوا، در فرهنگ ما ایرانیان، حدیث تفنن و لهو و لعب نیست، این موهبت چون با حکمت و عرفان پیوند خورد و در مقامات موسیقایی با ندای خوش قرآنی تقرب یابد نردبان عروجی می‌شود برای ارواح فسرده و خسته از صعب و سختی زندان جسم و جان.

چون چنین شد ما چون چنگی به دست حق، نواخته می‌شویم تا از نواختن ما حقیقت آشکار شود:

می‌گفت که تو در چنگ منی

من ساختمت چونت زنم

من چنگ توام بر هر رگ من

تو زخمه زنی من تن تنم

استاد محمدرضا شجریان که تربیت‌یافته الحان عظیم و لطیف قرآن بود، در تمامی حیات موسیقایی خویش کوشید ترجمان به غایت زیبای حقایق عرفانی، برهانی، قرآنی و حکمی ما ایرانیان باشد. همچنان که حافظ، زبان فارسی را ترجمان عظیم لطایف حکمی و قرآنی قرار داد:

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد

لطایف حکمی با کتاب قرآنی

مرحوم استاد شجریان با ندای آسمانی خود قاری آیات و نوای زیبای حقایق عرفانی ما گردید. قرن‌ها باید بگذرد تا همچون اوپی در حوزه آواز و موسیقی، از مادر دهر زاده شود.

خواندش بیامرزد و او را قرین و مأنوس با اولیا و محبانش گرداند.

«بین‌المللی‌سازی آموزش عالی» در گفت‌وگو با

دکتر عباس قنبری باغستان (استاد ارتباطات دانشگاه تهران)

از دیپلماسی علمی تا دیپلماسی دانشجویی

با «ذهنیت و نگاه بومی» نمی‌توان الگوی «بین‌المللی‌سازی» را اجرایی کرد

فرزانه اسکندریان

در دنیای امروزی یکی از شاخص‌های اصلی توسعه، «بین‌المللی‌سازی آموزش عالی» است و کشورهای پیشرفته، به‌طور ویژه بر این ایده سرمایه‌گذاری می‌کنند. به این اعتبار، در اوایل قرن ۲۱، دنیا یک تحول پارادایمی در نظم نوین جهانی را تجربه کرد و آن گذار به «دیپلماسی علمی» بود. دکتر عباس قنبری باغستان، نویسنده کتاب «بین‌المللی‌سازی آموزش عالی» بر این باور است که برای کشوری با مختصات آموزش عالی ایران، با توجه به اینکه حدود ۵۰ هزار دانشجوی در اقصی نقاط جهان دارد، «دیپلماسی دانشجویی» راهگشاست. او در تحقیق خود با مطالعه نقش دانشجویان در تولیدات علمی بین‌المللی نشان می‌دهد که به‌عنوان مثال در یک بازه زمانی ۱۰ ساله (۲۰۰۵-۲۰۱۵)، دانشجویان ایرانی در مالزی بیش از ۵ هزار سند علمی بین‌المللی برای ایران تولید کرده‌اند. حتی او در این کتاب به‌طور مستند تصریح می‌کند که دانشجویان ما در امریکا، کانادا، انگلستان و دیگر کشورهایی که ما هیچگاه رابطه رسمی یا حسنه با آنها نداشته‌ایم هم، به همین میزان یا حتی بیشتر فعال بوده‌اند و سهم بسیار زیادی از تولیدات علمی بین‌المللی ما مرهون همین دانشجویان است. از این رو، تأکید دارد که در بحث «دیپلماسی دانشجویی» نیاز به نقشه و برنامه‌های محرک برای بازیگران اصلی آن، یعنی همین دانشجویان و بدنه هیأت علمی داریم. گفت‌وگویی ما با دکتر قنبری باغستان، استاد ارتباطات و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، نکات قابل تأملی دارد که در ادامه می‌خوانید:

جناب دکتر قنبری، ایده «بین‌المللی‌سازی

آموزش عالی» در دنیای امروز چه ضرورت و الزاماتی دارد؟

نخست اینکه «بین‌المللی‌سازی» یک اندیشه است، شعار نیست، یعنی ما با شعار دادن و هر سال یک برنامه اعلام کردن، بین‌المللی نمی‌شویم بلکه باید در هر کنش علمی هر عضو از بدنه آموزش عالی «بینش بین‌المللی» وجود داشته باشد. دیگر اینکه، در حوزه آموزش عالی «بین‌المللی‌سازی» یک نظام درهم تنیده جهانی است که در آن نمی‌توان به‌صورت جزیره‌ای عمل کرد. نکته سوم اینکه، بر اساس تجربه عمده کشورها به‌عنوان مثال ترکیه، مالزی، کره‌جنوبی و... تنها عرصه‌ای که در مسیر جهانی‌سازی سربلند بیرون آمده، عرصه آموزش عالی است. چون بازیگران آن، نخبگان و فرهیختگان جامعه هستند و به این اعتبار، نباید از آن ترسید.

اجرای این اندیشه نیازمند چه فاکتورهایی است؟ و مادر ایران در کدام مؤلفه‌ها موفق ظاهر شده‌ایم و در کدام بخش‌ها نیاز به اصلاح یا تمرکز بیشتری داریم؟

بین‌المللی‌سازی آموزش عالی، طیف وسیعی از کنشگری علمی، آموزشی و تحقیقاتی را دربر می‌گیرد که واقعاً نمی‌توان با توجه به تحولات سریع در این عرصه، کرانه‌های آن را محدود کرد. البته، در کشور ما عمدتاً دو محور «چاپ مقالات بین‌المللی» و «جذب دانشجوی خارجی» بسیار مورد توجه قرار گرفته و این ضعف بزرگی است! ما این حال در سطوح کلان، تشکیل بانک‌های اطلاعاتی علمی به زبان خارجی، به رسمیت شناختن حق دسترسی آزاد به متون علمی، مرجع‌سازی اسناد علمی بومی، تدوین استانداردهای کیفی و حرفه‌ای رشته‌های دانشگاهی و تلاش برای بین‌المللی‌کردن آنها، عضویت و حضور در بوردهای علمی و استانداردهای بین‌المللی، تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دانشگاهی، پایش ساختار جذب و پذیرش دانشجویان خارجی و بین‌المللی، جذب مشاوران و اعضای هیأت علمی خارجی، بین‌المللی کردن سبلاس‌های درسی، آموزش آنلاین و یادگیری مادام‌العمر، استانداردسازی و تقسیم‌بندی حوزه‌های آموزشی و پژوهشی کشور، بین‌المللی‌کردن تحقیقات، ارائه جوایز علمی بین‌المللی و... نیز سویه‌ها و ابعاد مهم بین‌المللی‌سازی هستند که کمتر به آنها توجه شده است.

در سطوح فردی، یعنی بدنه دانشگاهی که نیروی محرکه اصلی محسوب می‌شوند نیز، رفع موانع زبانی و ارتباطی، تلقی بین‌المللی‌سازی به مثابه تعهد ملی، بهینه‌سازی فرمت‌های نوشتاری متون علمی بر اساس الگوریتم‌های فنی وب، حرکت در مسیر مطالعات بین‌رشته‌ای، بین‌المللی کردن پژوهش‌ها، آشنایی با فنون تبلیغ و ترویج تولیدات علمی، حضور در نظام‌های آموزش عالی خارج، مدیریت رفرنس‌ها و منابع اسناد علمی، رصد شاخص‌های نوین علم‌سنجی (شاخص‌های آلتمتریک) و رعایت اخلاق علمی از جمله ویژگی‌هایی است که باید به آنها توجه بیشتری شود.

شمار کتاب «بین‌المللی‌سازی آموزش عالی»

به استراتژی‌ها، راهبردها و تکنیک‌ها در توسعه ارتباطات علمی پرداخت. در این مسیر مهم‌ترین چالش‌ها و راهکارهای کاربردی ما کدام‌ها هستند؟

با توجه به فعالیت روزافزون دانشجویان و

محققان ایران در تولیدات علمی جهان، نقش

«دیپلماسی علمی» را در بین‌المللی‌سازی

آموزش عالی ایران چگونه می‌بینید؟

در اوایل قرن ۲۱، دنیا یک تحول پارادایمی در نظم نوین جهانی را تجربه کرد و آن گذار به «دیپلماسی علمی» بود. اما من فکر می‌کنم برای کشوری با مختصات آموزش عالی ایران، «دیپلماسی دانشجویی» راهگشاست. البته اینها هر دو به هم وابسته‌اند، اما مهم است که من در اینجا بر نقش «دانشجویان» تأکید کنم؛ هم دانشجویان ما در داخل و هم در خارج. ما اکنون حدود ۵۰ هزار دانشجو در اقصی نقاط جهان داریم. به گفته سن مارتین، اینها به معنی واقعی کلمه سفیران ما در خارج هستند. بیا باید یکبار قدرت نرم و نقش آنها را در تولیدات علمی بین‌المللی کشور مطالعه کنیم. من این کار را انجام دادم؛ در یک بازه زمانی ۱۰ ساله (۲۰۰۵-۲۰۱۵) دانشجویان ایرانی در مالزی بیش از پنج هزار سند علمی بین‌المللی برای ایران تولید کرده‌اند. حالا بیا ببینم این را مقایسه کنیم با کل خروجی قراردادهای همکاری که به‌صورت رسمی و در قالب اتحادیه‌ها و کارگروه‌های مشترک دانشگاهی با کشورهای روسیه، آلمان، فرانسه، اتریش و... در همین

نباید و نمی‌تواند بومی باشد! مشکل اصلی اینجا است که ما با ذهنیت بومی و نگاه بومی دنبال بین‌المللی‌سازی هستیم. این امکان‌پذیر نیست. الگوی بین‌المللی‌سازی ما باید بین‌المللی باشد چون هم اساس علم جهانی است و هم اینکه دانشگاه‌های ما تنها در تعامل با طرف‌های خارجی می‌تواند موفق باشد.

یک مثال ساده این است که ما در دانشگاه‌های علوم پزشکی بهترین رشته‌ها، بهترین استادان و بهترین آزمایشگاه‌ها را داریم. در دانشگاه تهران و شریف و امیرکبیر هم بهترین رشته‌های مهندسی را داریم. اما اینها نمی‌توانند در سطح وسیع دانشجوی جذب کنند؛ چرا؟! چون به‌عنوان مثال رشته‌های پزشکی ما تأییدیه نظام پزشکی بسیاری از کشورها را ندارد. یا مثلاً رشته‌های مهندسی ما استاندارد بین‌المللی واشنگتن آکورد را ندارند و تلاشی هم برای کسب این استانداردها نشده است. لذا هر قدر ما در داخل تلاش کنیم و شعار دهیم و هزینه‌های علمی و متمدن ایرانی فراتر از بحث صرف زبانی است. ژاپنی‌ها تجربه خوبی در این زمینه دارند که می‌گویند هر دانشجوی خارجی صرف‌نظر از اینکه زبان ژاپنی بیاموزد یا خیر،

یک راهکار است و نمی‌توان به‌همین راهکار محدود ماند. در درازمدت، باید بخش خصوصی را وارد کرد. راهکار اصلی در بازاریابی خلافت است که در توان بخش خصوصی نیست. امروزه بزرگترین دپارتمان دانشگاه‌های مشهور، دپارتمان بازاریابی است، برعکس دانشگاه‌های ما که به احتمال زیاد چنین دپارتمانی نداریم.

دانشجویان برای حضور در دانشگاه‌های ایران، باید به زبان فارسی مسلط باشند، شما نقش زبان انگلیسی برای ارائه درس‌ها به زبان بین‌المللی را در این میان چگونه می‌بینید؟ اجازه بدهید به این موضوع از یک افق کلان‌تر بنگریم. هدف از جذب دانشجوی خارجی با بین‌المللی، تأثیرگذاری علمی و فرهنگی بر نسل آینده محققان، پژوهشگران و اندیشمندان و به نوعی بر رهبران آینده آن کشورها است. به این اعتبار، زبان فارسی مزیت علمی و فرهنگی ایران اسلامی نیست. اساساً فرهنگ و تمدن ایرانی فراتر از بحث صرف زبانی است. ژاپنی‌ها تجربه خوبی در این زمینه دارند که می‌گویند هر دانشجوی خارجی صرف‌نظر از اینکه زبان ژاپنی بیاموزد یا خیر،

نیم‌نگاه

ما در دانشگاه‌های علوم پزشکی و دانشگاه‌های مهندسی بهترین رشته‌ها، بهترین استادان و بهترین آزمایشگاه‌ها را داریم. اما اینها نمی‌توانند در سطح وسیع دانشجو جذب کنند؛ چون رشته‌های پزشکی ما تأییدیه نظام پزشکی خیلی از کشورها را ندارد. یا رشته‌های مهندسی ما استاندارد بین‌المللی واشنگتن آکورد را ندارند و تلاشی هم برای کسب این استانداردها نشده است. لذا هر قدر ما در داخل تلاش کنیم و شعار دهیم و هزینه کنیم، مادامی که آن حلقه اتصال در تعاملات بین‌المللی ایجاد نشود، به وضعیت مطلوب نخواهیم رسید.

ما در ایران به‌طور مشخص ۴ نهاد سیاستگذار، ۶ سند بالادستی و ۱۰ بازیگر اصلی (غیر از دانشگاه‌ها) در حوزه بین‌المللی‌سازی آموزش عالی داریم. این بوروکراسی، کنشگری در ارتباطات علمی بین‌المللی را برای بازیگران اصلی که همان بدنه علمی دانشگاهی هستند، سخت کرده است.

در سطح بین‌المللی، آموزش عالی، تجاری شده و رقابت در آن بسیار شدید است. آموزش عالی جزء ۱۰ صنعت پردرآمد بلوک‌های بزرگ آموزش عالی است و در یک ساختار بوروکراتیک و دولتی، دانشگاه‌ها الزامات تجاری شدن و رقابتی شدن را ندارند.

دانشگاه‌های کشور چگونه می‌توانند در زمینه جذب دانشجوی خارجی به بازاریابی و درآمدزایی برسند؟

در سطح بین‌المللی، آموزش عالی، تجاری شده و رقابت در آن بسیار شدید است. آموزش عالی جزء ۱۰ صنعت پردرآمد بلوک‌های بزرگ آموزش عالی است. به نظر من در یک ساختار بوروکراتیک و دولتی، دانشگاه‌ها الزامات تجاری شدن و رقابتی شدن را ندارند. از طرفی، با توجه به غلبه نگاه بومی در الگوی بین‌المللی‌سازی ما و از سبب خصوصی نیست، به نظر من اگر فعالیت بین‌المللی جاذبه بیشتری دارد یا آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به فعالیت بین‌المللی جاذبه بیشتری دارد یا دفاعه بیشتر!

سال گذشته سعی شد مدلی بومی برای «بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران» طراحی شود. نظر شما درباره این طرح چیست؟

دانشگاه‌های ما سپری کنند. البته این تنها

در نهایت جهان را از لنز جهان‌بینی، فرهنگ و تمدن ژاپنی خواهد دید. لذا آنها خیلی راحت بحث ارائه آموزش به زبان‌های خارجی را آزاد گذاشته‌اند. در کشورهای در حال توسعه مثل کره‌جنوبی، سنگاپور و مالزی نیز همین است. لذا به‌نظر من به دو دلیل خیلی نباید با محدود ساختن آموزش دانشجویان خارجی به زبان فارسی، موضوع جذب آنها را تحت‌الشعاع قرار داد. اول اینکه با توجه به غنای علمی و فرهنگی تمدن ایران، قطعاً هر دانشجوی خارجی پس از اقامت در ایران، به‌طور خودکار دوم اینکه اگر قرار است زبان فارسی به زبان علم تبدیل شود، بهترین راه همین جذب دانشجویان خارجی و سپس در معرض علم دانش بومی و فارسی قرار دادن آنها در داخل کشور است. اما این کار ظرافت خاصی را می‌طلبد و نیازمند حضور بیشتر دانشجویان، محققان و اندیشمندان بین‌المللی در کشور است.



نیم‌نگاه